

خبر

متن قراردادهای نفتی اصلاح شد

● با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم بررسی دقیق متن قراردادهای جدید نفتی در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، متن قرارداد به تأیید ستاد رسید. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی پیش از ظهر دیروز (سه‌شنبه) به ریاست معاون‌اول رئیس‌جمهور برگزار شد.

در این جلسه پیشنهادهای کارگروه منتخب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی درباره متن قراردادهای جدید نفتی که روند بررسی آن از جلسه گذشته ستاد آغاز شده بود، ادامه یافت و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم بررسی دقیق متن قراردادهای جدید نفتی در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، پس از بحث و تبادل نظر مفاد و جزئیات آن بررسی شد و با اعمال اصلاحات لازم، در نهایت متن مذکور به تأیید ستاد رسید.

در پایان این نشست که وزرای نفت، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، امور اقتصادی و دارایی، جهاد کشاورزی، معاونان رئیس‌جمهور در امور مجلس و امور اجرایی، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور و مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور و دیگر اعضای ستاد نیز حضور داشتند، مقرر شد متن قراردادهای جدید نفتی که به تأیید ستاد رسیده است برای طی مراحل بعدی و تصویب نهایی در جلسه هیات دولت مطرح شود.

انجام بیش از ۱۰۰مورد سرمایه‌گذاری خارجی پس از برجام

● **ایستنا:** به گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت پس از برجام بیش از صد سرمایه‌گذاری خارجی در کشور صورت گرفته است.

محمدرضا نعمت‌زاده با بیان اینکه خودمان هم نتایج پس از برجام را باور نمی‌کردیم، افزود: امسال سال آخر دولت و خاص است و باید جمع‌بندی کنیم و به مردم بگوییم که آیا حرف زده‌ایم یا عمل کرده‌ایم.

وزیر صنعت، معدن و تجارت خاطرنشان کرد: ایران در جوامع بین‌الملل احترام پیدا کرده و در گذشته که در سطح بین‌الملل جواب ما را نمی‌دادند، امروز وزیر خارجه ما خانم مرکل را مورد خطاب قرار می‌دهد که چرا برخی حرف‌ها را می‌زنید. تا دیروز اگر راست راه می‌رفتیم، به ما می‌گفتند کج راه رفتی و شرایط بدی برای ما به وجود آوردند، اما درحال حاضر ارتباط ما با دنیا به گونه‌ای دیگر شده است.

نعمت‌زاده تصریح کرد: شرکت‌هایی که تا قبل از این جواب ما را نمی‌دادند هم‌اکنون برای سرمایه‌گذاری به کشور آمده‌اند. نعمت‌زاده تأکید کرد: اغلب واحدهای تولیدی و صنعتی راکد و تعطیل کشور مربوط به دولت قبل است و ربطی به این دولت ندارند. کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید برای کمک به تولید کشور راه‌اندازی شده و تاکنون نیمی از تصمیمات این کارگروه اجرایی شده است.

نعمت‌زاده گفت: کشور نیازمند سرمایه‌گذار و اشتغال‌زایی است. با وجود اینکه شش ماه بیشتر از زمان برجام نمی‌گذرد، گشایش خوبی در سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد شده است. حداقل در بخش صنعت ۱۰۰ قرارداد منعقد شد؛ اگرچه این مسئله زمان‌بر است و در زمینه واحدهای متوسط زودتر جواب داده است. وی اضافه کرد: از ابتدای سال ۱۳۹۴ در کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید حدود ۵۰ درصد از مصوبات کارگروه عملیاتی شدند و از حدود ۱۳هزار و ۵۰۰ طرح تولیدی و صنعتی راکد در کشور مشکلات قریب به ۵۰ درصد آنها برطرف شد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: درحال حاضر مهم‌ترین رویکرد دولت، رفع موانع تولید است. به بانک‌ها ابلاغ شده که همکاری لازم در این زمینه داشته باشند و بر همین اساس تسهیلات ویژه برای واحدهای تولیدی کوچک تا سقف صد نفر اشتغال در نظر گرفته شده است.

افزایش ۴۰درصدی سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه پس از برجام

● **ایرنا:** جانشین رئیس سازمان بورس در امور بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گوید، پس از اجرایی‌شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از بازار سرمایه ایران افزایش یافت و حجم سرمایه‌گذاری خارجی ۴۰ درصد بالا رفت. بهسار بیژنی درباره دیپلماسی بورسی و افزایش تعاملات بین‌المللی بازار سرمایه ایران پس از رفع تحریم‌ها، افزود: تعامل خود با نهادهای بین‌المللی را پیش از اجرایی‌شدن برجام آغاز کردیم و بر این اساس با شماری از نهادهای بین‌المللی بازار سرمایه همکاری‌ها را افزایش دادیم. جانشین رئیس سازمان بورس در امور بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی افزود: تعریف پروژه‌های مشترک با نهادهای خارجی از امضای تفاهم‌نامه برای ما مهم‌تر است و بر این اساس، سیاست سازمان بورس، تعریف و اجرای پروژه‌های مشترک است.

● در این زمان حاکمان بدون توجه به عواقب آن به

صراحت اعلام کردند که ما تمام آب‌های زیرزمینی را استخراج خواهیم کرد و روی تمام رودخانه‌ها سد خواهیم ساخت. البته برای به‌خدمت‌گرفتن این منابع فشاری خاص مورد نیاز نیز در کشور وجود نداشت.

آب‌های زیرزمینی تجدیدپذیر نیستند

درباره آب‌های زیرزمینی با واردکردن فناوری بوم ناسازگار حفر چاه و استخراج آب‌های زیرزمینی همه‌جا بسیار شدیدی به منابع آب دشت‌های جنوب و شرق و شمال شرق و ایران مرکزی که حدود ۵۰ درصد رسوبات آبرفتی کشور متعلق به این مناطق است، آغاز شد که علاوه بر خشک‌کردن هزارها رشته قنات پیامدهای جبران‌ناپذیر دیگری را نیز در پی داشت. به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین اشتباهی که در آن زمان صورت گرفت و ریشه اصلی بحران آب از آنجا سرچشمه گرفت، این بود که تصور می‌شد آب‌های زیرزمینی موجود در این آب‌رکت‌ها تجدیدپذیرند و اگر ما از آنها استفاده کنیم، با بارش‌هایی که صورت خواهد گرفت یا با تغذیه مصنوعی این منابع دوباره احیا شده و به حالت اولیه برمی‌گردند. حال آنکه واقعیت این است که آب‌های موجود در لایه‌های آبدار زیرزمینی این مناطق عملاً نیمه‌فسیلی هستند که پرشدن آنها در بیش از ۲۰۰ هزار سال قبل در دوره‌های تسالی شدید پلویال صورت گرفته و اگر استخراج شوند در عمل هیچ‌گاه تجدید نخواهند شد و احیای آنها با عملیات آبخیزداری، آبخوان داری و تغذیه مصنوعی و پخش سیلاب و امثال آنها حتی در تسالی‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کم‌اینکه برخی ترسالی‌های دو، سه دهه اخیر نیز نشان داده که تأثیری بر احیای این منابع نداشته است.

با استخراج لگام‌گسیخته آب از منابع زیرزمینی، همراه با توسعه‌هایی که در سرشاخه‌های رودخانه‌ها صورت گرفت و به‌ویژه ساخت‌وسازهایی که در مخروط‌افکنه‌ها انجام شد، جدال نابرابری با طبیعت را به امید پیروزی آغاز کردیم و غافل از آن بودیم که «گرچه مادر طبیعت، معشوقه‌ای زیباست؛ اما بسیار خشن و خطرناک خواهد بود؛ اگر به او خیانت شود».

در اکثر برنامه‌های توسعه گذشته راه‌ها و جاده‌ها را از مخروط‌افکنه‌ها عبور دادیم یا کارخانه‌ها و تاسیسات صنعتی را در آنجاها مستقر کردیم که به‌شدت جلوی تغذیه آبخوان‌ها را گرفت و بر تعادل‌بخشی آنها تأثیر نامطلوب داشت.

شمارش معکوس ۶۰ساله

درواقع اگر از دیدگاه آسیب‌شناسی به مسئله نگاه کنیم، شمارش معکوس برای رسیدن به وضعیت کنونی آب تقریباً از ۵۰ الی ۶۰ سال پیش به تغییر رویکرد گروداران، نسبت به آب شروع شد. گروداران یعنی کسانی که سرنوشت آنها در گرو آب بود یا کسانی که سرنوشت آب در گرو آنان بوده است. البته اینکه ما تنها شتاب در سدسازی یا حفر بی‌رویه چاه‌ها را هم علت بروز بحران آب بدانیم، شاید اشتباه باشد؛ زیرا مسائل عمیق‌تر این داستان را رقم زد و این خود معلول سیاست‌های اشتباهی بود که صورت گرفت. ازجمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– نگاه فن‌سالارانه و غیرخردمندانه به منابع آب و خاک و اقلیم کشور
– استفاده نادرست از درآمد نفت و هزینه‌کردن آن برای مقابله با طبیعت کشور
– تکیه صرف بر علم دانشگاهی و غفلت از دانش بومی در برنامه‌های توسعه
– توجه‌نکردن نخبگان و برنامه‌ریزان به خصوصیات سنتی جامعه و به‌ویژه کشاورزی کشور در طرح‌های عمرانی
– رشد فزاینده جمعیت و توجه‌نکردن به رد پای اکولوژیک آب
– و درنهایت نگاه اشتباه یا غلط به توسعه مهم‌تر از همه همان‌طور که اشاره شد، این بود که قوت پرینت یا رد پای اکولوژیکی آب و تراز آن با جمعیت کشور متعادل و همخوان نبوده و این موضوع نادیده انگاشته شد.

عرصه‌جدیدی از خیانت

با ورود فناوری چاه و جایگزین‌شدن چاه‌ها به جای قنات و توسعه سدسازی برای مهار و بهره‌برداری از آب‌های سطحی که به‌دنبال آن، توسعه سریع و افقی کشاورزی صورت گرفت، دیری نپایید که عرصه جدیدی از خیانت به طبیعت کشور و منابع آب و خاک به‌وجود آمد که به‌هیچ‌وجه با شرایط طبیعی و اقلیمی کشور تناسب نداشت.

در روندی که این سال‌ها پشت‌سر گذاشته‌ایم، به لحاظ زمانی سه مرحله یا فاز طی شده است. فاز اولی را که نداشته‌ا عواقب آن رد شدیم، مرحله بهره‌کنشی خارج از ظرفیت از منابعی بود که خداوند در اختیار ما قرار داده بود؛ یعنی فاز افزایش عرصه و استحصال هرچه‌بیشتر آب از منابع آب‌های سطحی با مهار و کنترل آب‌ها و سدسازی و حفر چاه‌های مجاز و غیرمجاز در آب‌های زیرزمینی و دست‌اندازی به حریم قنات‌ها. در اینجا منظور آن نیست که بگوییم سدازی و حفر چاه کارهای کاملاً اشتباهی بوده‌اند؛ چه‌بسا در بسیاری موارد راهگشا بودند و باید زندگی خود را در بعضی مناطق مدیون این فعالیت‌ها دانست، بلکه منظور هجمه غیرعلمی و لجام‌گسیخته‌ای بود که بیش از توان و ظرفیت این منابع به آنها وارد آمد.

در این فاز، آب یک کالای مجانی به شمار می‌رفت

اقتصاد

ریشه‌های بحران آب در ایران



یک نفر

و دلایلی که این وضعیت را توجیه می‌کرد، بدون توجه به پیامدهای آن، توسعه‌کشور و خودکفایی در تولید محصولات زراعی و استقلال در تأمین غذا و ایجاد اشتغال بود که برای رسیدن به این اهداف تنها گزینه و شاید ساده‌ترین راه، افزایش سطوح اراضی کشاورزی آبی و تأمین آب برای آنها بود. این روند اکنون نیز ادامه دارد. در این فاز به‌تدریج نوعی آب‌دار زراعی پایین‌ترین بهره‌وری آب را دارند. یعنی تولیدی کمتر از یک کیلوگرم محصول به ازای مصرف هر مترمکعب آب. مثلاً تولید ۷۵۰ گرم گندم یا ۱۲۰ گرم برنج به ازای مصرف هر مترمکعب آب. جالب آنکه الگوی غذایی ما نیز بر همین اساس شکل گرفت. به‌دنبال آن نیز صنایعی رشد کردند که وجودشان بستگی به توسعه کشاورزی و در نهایت آب داشت؛ مانند کارخانه‌های قند و شکر و تولید چپیس، پفک و… . حاصل این فاز کاهش و ازبین‌رفتن منابع آب بود که بیشترین بار مسئولیت در این فاز بر دوش مهندسان، هیدرولوژیست‌ها، سیاست‌مداران، حقوق‌دانان شرکت‌های مهندسی مشاور و تا اندازه‌ای اکولوژیست‌هاست و آنها باید پی‌نبرد کم‌ یا سهواً به بیراهه رفتند. البته بسیاری از تکنوکرات‌های کشور نیز رسالت ملی خود را فراموش کردند و وارد این عرصه درآمدزا شدند. در هیچ‌یک از گزارش‌های مطالعاتی که در پروژه‌های آب در این فاز تهیه شده است، اشاره‌ای به تبعات زیست‌محیطی نشده و فقط در سال‌های اخیر است که مهندسان مشاور ملزم می‌شوند در طرح‌های آبی گزارش توجیهات زیست‌محیطی را نیز ارائه دهند که البته زیاد این گزارش‌ها براساس واقعیت‌ها تنظیم نمی‌شوند. حداکثر کاری که در این فاز انجام می‌شد، تکیه بر دانش دانشگاهی غرب و مدیریت عرضه آب بود که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد و ده‌ها کتاب و مقاله درباره آن نوشته شد و هنوز هم در سیلاب‌س دروس دانشگاه وجود دارد و این یکی از ضعف‌های آموزش آب در دانشگاه‌هاست.

بعد از آن با کاهش منابع آب، نوعی دیگر از مدیریت مطرح شد که با مدیریت تقاضا از آن یاد می‌شود. در این زمان در بخش کشاورزی افزایش راندمان و تغییر سیستم‌های آبیاری و در بخش تأمین آب، روش‌های بهینه تخصیص آب مانند کنترل ساعات کار چاه‌ها و امثال آن مطرح شد که تابه‌حال شاید میلیارد‌ها ریال هزینه در بر داشته است، ولی در صفره‌جویی منابع آب چندان تأثیر ملموسی نداشته است.

نخبگان از توهم خارج شوند
از این فاز به بعد با ورود جامعه‌شناسان و اقتصاددان‌ها و اکولوژیست‌ها به میدان، به این ایده که آب یک کالای نادر است، موضوع مدیریت سازگاری با کمبودها از طریق واردات آب مجازی، تغییر استفاده از مزیت‌های اقلیمی و امثال آن مطرح شد. درواقع به فاز اول و قسمتی از فاز دوم، ذهنیت مردم و گروداران با همکاری متخصصان به بحران دامن زد و در فاز دوم باز هم به کمک متخصصان و مهندسان مشاور، ذهنیت مدیران و نمایندگان مجلس و کسانی که می‌توانستند از رانست و ویژه‌خواری بهره‌گیری کنند، دخیل بود و امروز که با سازگاری و حل مسئله پیش‌رو است، باید ذهنیت آگاهان و نخبگان مطرح باشد که برای اقدام و عمل در این زمینه لازم است از پشتوانه خوبی برخوردار باشند. در وضعیت کنونی باید نخبگان و متخصصان آب و کشاورزی و به‌خصوص دانشگاهیان از توهم شرایط طبیعی و اقلیمی کشور تناسب نداشت

روایات و پژوهش‌های تقلیدی و هدایت رساله‌ها در فضای ماهواره‌ها و مدل‌های مجازی باشند که بر بخش بوم‌سازگار برای برون‌رفت از این بحران چیست، بررسی رساله‌های دکترای تدوین‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد بسیاری از این پایان‌نامه‌ها نمی‌توانند دردی از مسئله آب کشور دوا کنند. باید بدانیم که چاره‌ای نیست و ما باید با همین مقدار آب ولو اندک بسازیم. باید ببینیم نسخه‌هایی که برای جابه‌جایی آب‌های خلیج فارس و دریای خزر یا از آن

منابع حیوانی است. این الگوی غذایی کشور که در ارتباط نتگانگ با آب است نیاز به اصلاح تدریجی دارد. دسترسی ایران به دو منبع آبی بزرگ در شمال و جنوب کشور می‌تواند این امکان را فراهم کند تا بخش زیادی از انرژی و پروتئین موردنیاز الگوی غذایی مردم از این منابع تأمین شود و به این ترتیب از باری که روی محصولات گیاهی است تا اندازه‌ای کاسته شود. شرایط آب‌وهوایی در ایران به نحوی است که بدون آبیاری، زراعت امکان‌پذیر نیست. نیاز خالص آبی الگوی کشت ایران در این شرایط آب‌وهوایی بیش از پنج هزار مترمکعب در هکتار است که با راندمان آبیاری ۵۰ درصد باید ۱۰ هزار مترمکعب آب به هر هکتار بدهیم.

یعنی با هشت یا ۹ میلیون هکتار کشت آبی باید تمام آب‌ها را به کشاورزی اختصاص دهیم و مسلماً با راندمان ۴۰ درصد برای آبیاری ۱۱۲ میلیارد مترمکعب نیاز است که چنین مقدار آبی وجود ندارد و باید با کم‌آبیاری زراعت کنیم که درحال حاضر نیز همین شیوه در کشور رایج است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر بارندگی‌های کشور اندک بوده و به‌سختی به ۲۰۰ میلی‌متر در سال می‌رسد، ما کمتر از ۹۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدشونده داریم؛ نه ۱۳۰ میلیاردی که به برنامه‌ریزی‌ها از آن صحبت می‌کنیم. حتی اگر ما ۹۰ میلیارد مترمکعب آب هم داشته باشیم، براساس استانداردهای پایداری که نباید بیش از ۴۰ درصد آن را بهره‌برداری کنیم، فقط مجاز به مصرف ۳۶ میلیارد مترمکعب آب در کشاورزی هستیم که در این صورت نباید بیش از ۳٫۵ تا چهار میلیون هکتار زمین را آبیاری کنیم و توجه داشته باشیم که با همین سطح کشت هم می‌توانیم به مقدار محصولات کنونی و حتی بیشتر از آن را نیز تولید کنیم. تولیدات کشاورزی ما باید به‌صورت عمودی افزایش پیدا کند نه افقی و از طریق افزایش سطح کشت. راحل این نیست که با تغییر الگوی کشت گیاهانی مانند زعفران و پسته را جایگزین کنیم ولی سطح کشت آنها را چندین برابر گسترش دهیم. ما فقط به گسترش لجام‌گسیخته کشت دست یا زعفران در بحرانی‌ترین دشت‌های آبی کشور یعنی استان خراسان اشاره می‌کنم که درحالی‌که زعفران یک زراعت فامیلی بسیار محدود بود، اکنون حدود صد هزار هکتار زیر کشت این محصول قرار گرفته و زارعان مانند گندم این محصول را بیش از شش تا هفت توبت آبیاری می‌کنند. حاصل این کار خروج ۳۰۰ تن زعفران با بیش از ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب مجازی در سال توسط دلال‌ها به خارج است تا از آن مثلاً ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار حاصل شود که اگر به کشور برگردد، باز هم در برابر ارزش آب مصرفی رقم چندانی نیست. حال آنکه همین ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب با سالانه را که به بهای ازبین‌رفتن دشت‌های ما خارج می‌شود، اگر در آنجاها بخواهند شیرین کنند، لازم است بیش از یک میلیارد دلار هزینه کنند. جالب آن است که کشت این محصول به سایر استان‌ها نیز توسعه داده می‌شود.

عصده منابع تأمین آب کشاورزی ما آب‌های زیرزمینی است. ورودی آب به‌اصطلاح تجدیدشونده به زیرزمین دشت‌های کشاورزی ما ۳۷ ولی برداشت از آنها ۵۱ میلیارد مترمکعب در سال است. با این همه مصرف آب، تنها حدود ۵۰ درصد نیاز غذایی کشور را تأمین می‌کنیم که اگر بخواهیم به خودکفایی برسیم، باید ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد مترمکعب آب می‌داشیم. به دلیل جمعیت پرمتصرف کشور حتی با همین ۵۰ درصد خوداتکایی در پنج سال آینده باید ۱۱۰ میلیارد مترمکعب آب را به کشاورزی اختصاص دهیم که چنین آبی نداریم. در اقتصاد مقاومتی آب باید برسی شود که سقف بهینه تولید موادغذایی از طریق کشاورزی و مصرف آب چقدر است. در واقع ما چقدر آب باید به کشاورزی تخصیص دهیم. بدون‌شک برای برون‌رفت از این بحران باید کار فرهنگی صورت گیرد تا آگاهی عموم نسبت به وضع آب به وجود آید.

مسئله این آگاهی به گفت‌وگو می‌رسد که نتیجه گفت‌وگو هم مطالبه‌گری است. یکی از مطالبات این خواهد بود که یک گزارش واقعی از وضع آب کشور ارائه شود تا ما بگویید گذشته چه بود که به اینجا رسید و وضع در آینده چه خواهد بود. چنین گزارشی به ما خواهد گفت که در به‌وجودآمدن این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما به نحوی مقصر بوده‌ایم و لازم است حالا به این وضعیت، سهم خشک‌سالی‌ها که بیشترین اتهامات به آن نسبت داده می‌شود، چقدر است، سهم تغییرات اقلیمی، سهم عوامل مهندسی و سهم عوامل سیاسی چقدر است. هدف از این گزارش این نخواهد بود که بدانیم بار مسئولیت را متوجه چه کسانی کنیم. باید قبول کنیم که همه ما